

تجربه زیسته شرکت در کنکور با تأکید بر پیامدهای استرس‌زای آن^۱

مرتضی امیدیان*^۲

امین رحمتی^۳

حمید فرهادی راد^۴

چکیده:

کنکور به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رویدادهای آموزشی، فرهنگی و اجتماعی برای شرکت‌کنندگان موضوعی مهم است. نقش کنکور در تعیین سرنوشت و آینده افراد از یک‌سو و کمبود امکانات ورود برای رشته‌های خاص، تجارب دانش آموزان و تلاش آن‌ها از ماه‌ها و سال‌های قبل و استفاده از منابع و امکانات تقویتی برای آماده شدن، این رقابت را به موضوعی جدی برای دانش آموزان، خانواده‌ها و مدارس تبدیل کرده است. هدف از این پژوهش بررسی تجربه زیسته افراد پس از یک یا دو بار شرکت در کنکور بود.

روش به کار گرفته‌شده در این پژوهش، روش کیفی داده بنیاد بود که به منظور استخراج عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها، عوامل فرآیندی و پیامدها در تجربه کنکور مورد استفاده قرار گرفت. شرکت‌کنندگان ۱۱ دانشجوی فعلی مراکز دولتی و غیردولتی بودند که تجربه یک یا دو سال شرکت در کنکور را داشتند. و به صورت هدفمند و بر اساس الگوی موارد مطلوب انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات از مصاحبه باز و عمیق استفاده شد. پس از انجام مصاحبه ۱۸ مضمون فرعی به دست آمد که در ۱۸ مضمون اصلی دسته‌بندی شدند. این ۱۸ مضمون استخراجی در ۵ گروه عوامل زمینه‌ای، علی، مداخله‌گر، پدیده اصلی، فرآیندی و پیامدها قرار گرفتند.

۱. این پژوهش برگرفته از یک طرح آزاد مصوب گروه روانشناسی تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز است.

۲. دانشیار روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، مسئول مکاتبه، پست الکترونیک: morteza_omid@scu.ac.ir

۳. دانشجوی روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، پست الکترونیک: amin2016rahmati@gmail.com

۴. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، پست الکترونیک: h.farhadirad@scu.ac.ir

نتایج این پژوهش نشان داد که بر اساس تجربه افراد؛ خانواده، ویژگی‌های فرد، کلاس کنکور، دوستان، جو اجتماعی، مدرسه و رشته از عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر بودند. مصمم بودن، ویژگی‌های روانی، عوامل ناخواسته و روش مطالعه از عوامل علی در پدیده کنکور بودند. برنامه‌ریزی، تلاش، خودشناسی و کمک گرفتن از عوامل فرآیندی و رضایت یا عدم رضایت و استرس از پیامدهای کنکور بود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کنکور پدیده‌ای پیچیده از دیدگاه شرکت‌کنندگان است که عوامل گوناگونی در آن نقش دارد. استرس به‌عنوان یک پیامد منفی در کنکور موضوعی است که در همه افراد اعم از موفق یا ناموفق تجربه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تجربه زیسته، کنکور، استرس، کیفی

مقدمه و بیان مسئله:

کنکور یکی از رویدادهای مهم فرهنگی، اجتماعی و آموزشی کشور است، که سالانه منابع مالی و انسانی عظیمی را به خود اختصاص می‌دهد. تاریخچه شکل‌گیری سازمان سنجش و اجرای کنکور به شکل فعلی از زبان مشاور عالی سازمان سنجش به شرح زیر است: سابقه اجرای کنکور در کشور به سال ۱۳۴۰ برمی‌گردد که دولت وقت برای گزینش کارمندان برای نخستین بار به کار گرفت. از سال ۱۳۴۸ سازمان سنجش باهدف آزمون و شناخت استعدادها تشکیل شد در آن سال ۱۲ دانشگاه آمادگی خود را برای پذیرش دانشجو از طریق آزمون این سازمان اعلام کردند و ۴۷ هزار داوطلب شرکت کردند، البته برخی دانشگاه‌ها آزمون ورودی خود را نیز به کار می‌گرفتند. این آزمون‌ها اشکالاتی داشت که هر سال رفع می‌شد و نخستین بار در سال ۱۳۵۴ اساس‌نامه سازمان سنجش تصویب شد و در آن سال فقط یک آزمون برای گزینش دانشجو برگزار شد. تا قبل از انقلاب ۱۱ کنکور برگزار شد و روند تغییر و اصلاحات در کنکور ادامه داشته است و در شرایط کنونی کمیته‌ای برای حذف کنکور در رشته‌هایی که متقاضیان کمی دارند تشکیل شده است. با این وجود هنوز استفاده از روش‌های دیگر برای گزینش دانشجو در حد معما باقیمانده است (توکلی، ۱۳۹۵). با این وجود مطالعاتی برای بررسی تجربه دانش‌آموزان از کنکور سراسری گزینش دانشجو از داوطلبان دانش‌آموز، طراحی نشده است. به نظر می‌رسد بررسی تجربه دانش‌آموزان از کنکور و نحوه واکنش آن‌ها و خانواده‌هایشان موضوعی است که می‌تواند برخی از ابعاد احتمالی را برای پژوهش‌های بیشتر روشن کند. در پژوهش‌های انجام‌شده موجود، بیشتر به محتوای پرسش‌ها و رابطه آن با سطوح تفکر و یا آسیب‌های اجتماعی پرداخته شده است ولی به تجربه دانش‌آموزان و آثار کنکور بر آنان کمتر توجه شده است. تجاربی که شاید خود را

تجربه زیسته شرکت در کنکور با تأکید بر پیامدهای استرس‌زای آن/۳

در بی‌تفاوتی و فرسودگی در دانشگاه و مراحل بعدی زندگی خود را نشان می‌دهد. به این جهت پژوهش حاضر باهدف بررسی تجربه افراد پس از شرکت یک یا دو سال در کنکور بود. به عبارت دیگر، هدف تجزیه و تحلیل این امر بود که افراد موفق و یا ناموفق شرکت‌کننده در کنکور مهم‌ترین دلایل توفیق یا ناکامی خود را چه عواملی می‌دانند که در نهایت با استفاده از روش داده بنیاد^۱ این عوامل استخراج و شناسایی شوند.

ادبیات پژوهش:

در رابطه با آثار استفاده از نتایج کنکور برای گزینش دانشجو دیدگاه‌های مختلفی مطرح است. به اعتقاد اتکینسون^۲ (۲۰۰۲، ص ۲۸) بهترین پیش‌بینی‌کننده عملکرد دانشجویان، آزمون‌های پیشرفت تحصیلی است و او در کتاب خود این نوع آزمون را برای ورود به دانشگاه بر آزمون‌های استعداد ترجیح می‌دهد. علی احمدی (۱۳۹۵)، وزیر اسبق آموزش و پرورش در رابطه با نقش کنکور می‌گوید: "ما افراد را در شرایط و سنی که باید اتفاقاً فراغ بال بیشتری داشته باشند و برای آداب و سبک زندگی آموزش ببینند، تحت فشار کلاس‌های تست، کنکور و حافظه محوری قرار می‌دهیم و بعد عکس‌العمل منفی آن را در تداوم زندگی آن‌ها مشاهده می‌کنیم. از سوی دیگر مخبر دزفولی دبیر شورای انقلاب فرهنگی، (۱۳۹۵) کنکور را مانع اصلی تحول بنیادین در آموزش و پرورش می‌داند. باین‌وجود برخی از پژوهش‌ها باهدف بررسی محتوای آزمون‌های کنکور نتایج متفاوتی را با اظهارات مقامات رسمی نشان می‌دهند. زارعی، اوجی نژاد و صارمی نوری (۱۳۹۵) باهدف تحلیل پرسش‌های کنکور رشته ریاضی فیزیک در شهر مرودشت مطالعه‌ای را طراحی کردند که بر اساس نتایج آن ۷/۲۷ در صد پرسش‌ها در سطح دانش، ۲۰ درصد در سطح فهم، ۳۶/۳۶ در سطح کاربرد، ۲۵/۴۵ در سطح تحلیل و ۹/۰۹ در سطح ترکیب قرار داشتند. این نتایج نشان می‌دهد برخلاف ادعای حافظه محوری در کنکور توزیع سطوح اندازه‌گیری لااقل در رشته ریاضی فیزیک به نفع سطوح بالای تفکر چون کاربرد و تحلیل است و ادعای حافظه محوری در کنکور را زیر سؤال می‌برد. حاتمی و رضوانی فر (۱۳۹۴) در پژوهشی به‌منظور مقایسه رتبه‌های ا تا ۱۰۰ در سه رشته مشاهده کردند تفاوتی در پاسخ آن‌ها در سطوح مختلف بلوم^۳ وجود ندارد و افراد برتر در هر سه گروه از نظر سطوح شناختی باهم تفاوتی نداشتند. ولی در رتبه‌های ۱۰۱ تا ۱۰۰۰ تفاوت معنی‌داری دیده شد و رشته ریاضی فیزیک در مقابل رشته‌های انسانی و تجربی پاسخ‌های بیشتری به

1-grounded theory

2-Atkinson

3-Bloom

سطوح تحلیل و سطوح بالاتر شناختی داده بودند. این نتایج نشان می‌دهد که افراد برتر در هر سه گروه از توانمندی بالایی برخوردار بودند و از این نظر تفاوتی باهم نداشتند. ولی در رتبه‌های میانی تفاوت به نفع گروه ریاضی فیزیک بود. در ادامه مطالعات در این رابطه خلیل زاده و قلعه‌ای (۱۳۹۴) با بررسی رابطه بین سبک‌های یادگیری و موفقیت در کنکور به این نتیجه رسیدند که سبک تفکر همگرا با موفقیت در کنکور رابطه‌ای قوی دارد ($B=0/61$) و سبک واگرا رابطه‌ای ضعیف دارد ($B=0/06$) این نتایج نشان می‌دهد که خلاقیت نقش کمی در پیش‌بینی عملکرد کنکور دارد. در مجموع نتایج در این رابطه که کنکور مروج حافظه محوری است، از نظر پژوهش‌ها موضوعی بحث‌انگیز است و نتیجه محکمی در این رابطه به دست نیامده است. میاوا و کاوازو^۱ (۲۰۱۳) دو پژوهشگر ژاپنی در رابطه با آزمون‌های ورودی دانشگاه دو نگرانی عمده دارند. یکی از آن‌ها آمادگی زبان انگلیسی برای متون انگلیسی و دیگری توانایی حل مسئله است. به اعتقاد آن‌ها چون محتوای آزمون‌های ورودی بیشتر در مورد توانایی حل مسئله است، بنابراین پیشنهاد می‌دهند تا حل مسئله مبتنی بر فنون ان-ال-پی به‌عنوان یک رویکرد رایج و عملی در کارکرد بهینه مغز جایگزین آزمون‌های ورودی شود.

از سوی دیگر وجود فضای رقابت در کنکور به گسترش سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در این رشته منجر شده است. شکل‌گیری آموزشگاه‌های آزاد متعدد و پناه آوردن دانش‌آموزان و خانواده‌ها به‌عنوان یک راه کمک برای افزایش شانس قبولی از سوی دیگر از علل گسترش این نوع آموزشگاه‌ها و کلاس‌ها است. در کشور کره به‌صورت سنتی این عقیده وجود دارد که مدارس خصوصی و غیردولتی شانس ورود فرزندان‌شان را به دانشگاه و رشته‌های برتر افزایش می‌دهد. در این کشور رشته‌هایی مانند سینما بسیار باارزش و پول‌ساز قلمداد می‌شوند و در این جهت پژوهشگران این موضوع را مانعی برای گسترش آموزش دولتی در کره می‌دانند (بوک-رو^۲، ۲۰۱۶) به همین دلیل آموزش زیربنایی برای تغییر نگرش خانواده‌ها را پیشنهاد می‌دهند. در کشور ترکیه اضطراب به‌عنوان یکی از پیامدهای آزمون‌های ورودی دانشگاه مورد توجه قرار گرفته است، یل کنسی^۳ (۲۰۱۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به این موضوع پرداخته است. از سوی دیگر در یک پژوهش کیفی سیراک^۴ (۲۰۱۶) در کشور ترکیه ضمن مصاحبه با دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان از آن‌ها خواست تا احساس خود را وقتی به آزمون‌های ورودی دانشگاه فکر می‌کنند بیان کنند. در طبقه‌بندی پاسخ‌های دانش‌آموزان عنوان کلی اضطراب و انتظارات خانواده‌ها و آینده مبهم استخراج گردید. مضامینی مانند ترس، ناامیدی، نگرانی، مرز همه و هیچ از مصاحبه استخراج شد. در ایران یک پژوهش به‌منظور

1-Miyao, Y. & Kawazoe

2-Boke-Rae,

3-Yel Kenci, I.

4-Cirak, Y.

تجربه زیسته شرکت در کنکور با تأکید بر پیامدهای استرس‌زای آن/۵

بررسی علل گرایش به آموزشگاه‌های آزاد کنکور، به صورت آمیخته (کیفی و کمی) ابتدا با مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۵ نفر پرسشنامه ساخته شد و در اجرای کمی با روش نمونه‌گیری متناسب پرسشنامه بین ۱۷۰ داوطلب شرکت‌کننده در آموزشگاه‌های آزاد مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که مهم‌ترین دلایل مراجعه به آموزشگاه‌های آزاد کنکور، به ترتیب کسب موفقیت در کنکور، عدم رضایت از نتایج سال قبل، پیشرفت تحصیلی، ساختن آینده خود و اثربخش و کافی نبودن آموزش‌های رسمی مدرسه بود (حسینی لرکانی و محمدی، ۱۳۹۶). چنان‌چه سحرخیز معاون اسبق آموزش متوسطه (۱۳۹۵) اعلام می‌کند که گردش مالی میلیاردی در صنعت کنکور که صداوسیما را هم درگیر خود کرده است از موانع مهم بر سر راه حذف کنکور است.

این موضوعات منجر به طرح روش‌های جایگزین و یا موازی با کنکور برای گزینش دانشجو شده است. زارعی و اورنگی (۱۳۹۱) در پژوهش ضمن نظرسنجی از ۱۲۰ کارشناس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی، به این نتیجه دست یافتند که بین صاحب‌نظران تفاوت معنی‌داری وجود دارد و برخی ملاک‌های اجتماعی، شغلی و برخی سابقه تحصیلی و برخی آزمون سراسری را مناسب می‌دانند. در این رابطه دو رویکرد در دنیا وجود دارد. در رویکرد اول در کشورهای پیشرفته صنعتی مانند ژاپن و کره جنوبی و سوسیالیستی است. در این‌گونه کشورها ملاک انتخاب دانشجو نیازهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است. به این دلیل آزمون ورودی تنها ملاک انتخاب دانشجو است. از سوی دیگر در کشورهای اروپایی مانند آلمان، سوئد، انگلیس و در کشور آمریکا ورود به دانشگاه راحت‌تر و بدون محدودیت باشد. در این کشورها هدف تربیت نیروی مورد نیاز از یک سو و فراهم ساختن فرصت پیشرفت برای افراد از سوی دیگر است (معمدی، ۱۳۸۵ و آقای، ۱۳۷۵، به نقل از زارعی و اورنگی، ۱۳۹۱). در سال‌های اخیر گرایش به استفاده از روش‌های جایگزین و ترکیبی برای انتخاب دانشجو روبه افزایش است (کیانی، غلامرضا، ۱۳۹۴).

از سوی دیگر، وجود داوطلبان پرشمار برای برخی از رشته‌ها موجب شده از یک سو طرح‌های توقف کنکور با مانع روبه‌رو شود و از سوی دیگر برای پژوهشگران دستاویزی برای بررسی عمیق‌تر باشد. به این جهت شماری از پژوهش‌ها برای بررسی علل گرایش به برخی از رشته‌های پرطرفدار طراحی شده است. شکورنیا و علی کرمی (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای به منظور بررسی عوامل اثرگذار بر انتخاب رشته داروسازی و علاقه به این رشته در دانشجویان ورودی سال ۱۳۹۲ به این نتیجه رسیدند که میزان درآمد و آینده مناسب شغلی و استعداد و توانایی علمی از مهم‌ترین دلایل گرایش و رضایت از ادامه تحصیل در این رشته بود. نیک نژاد، قربانزاده زعفرانی و فلاح (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به بررسی علل گرایش به رشته تربیت‌بدنی در ۲۱۲ داوطلب استان سمنان، گلستان و مازندران اقدام کردند. از نظر شرکت‌کنندگان ۶ عامل به دست آمد که عامل اول، خانواده، دوستان، بستگان درجه اول، دبیران و مشاوران بود. عامل دوم کسب موقعیت اجتماعی و عامل سوم جذابیت و علاقه به رشته بود. جنسیت داوطلب، شغل پدر و مادر و رشته

تحصیلی از عوامل دیگر بودند. این نتیجه نشان می‌دهد که افراد در انتخاب رشته تحصیلی ممکن است از عوامل مختلفی تأثیرپذیری داشته باشند.

در یک جمع‌بندی موضوع کنکور به‌عنوان یک موضوع مهم اثرگذار بر نظام اجتماعی و خانواده و افراد از دیدگاه‌های مختلف در کانون توجه قرار داد. نتایج متفاوتی گزارش شده است که ممکن است ناشی از رویکردهای مختلف پژوهشی به این موضوع و یا تفاوت در دیدگاه شرکت‌کنندگان باشد. با این وجود حتی افراد به‌ظاهر موفق نیز در این رابطه تجاربی متفاوت را گزارش کرده‌اند. در مطالعه‌ای سیفی و سام (۱۳۹۴) در بررسی میزان رضایتمندی دانشجویان دندانپزشکی از رشته خود، گزارش کردند که ۹۱/۳ درصد دانشجویان از رشته خود راضی بودند و اظهار کردند در صورت شرکت مجدد همین رشته را انتخاب می‌کردند. مهم‌ترین دلایل انتخاب را نیز برتر بودن در سطح دانشگاه و موقعیت اجتماعی می‌دانستند. نکته قابل‌تأمل در این پژوهش این بود که رضایتمندی دانشجویان بالینی کمتر از دانشجویان پایه بود. بنابراین حتی در دانشجویان یکی از موفق‌ترین و پرطرفدارترین رشته پزشکی پس از پذیرفته شدن ممکن است نوعی کاهش انگیزه دیده شود. ادیب، فتحی آذر و اسکندری (۱۳۹۶) در یک مطالعه کیفی به بررسی وضعیت فرسودگی تحصیلی با روش پدیدارشناسی در دانشجویان علوم پزشکی اقدام کرد. نتایج با روش مصاحبه عمیق نشان داد که مهم‌ترین مضامین فرسودگی شغلی در دانشجویان در قالب سه مضمون اصلی ضعف برنامه‌ریزی، ضعف انگیزشی و مشکلات سازگاری شناسایی شد. به‌علاوه ۸ مضمون فرعی شامل نقص هدف‌گذاری، به‌تعمیق انداختن، تکرار اشتباهات برنامه، بی‌علاقگی، انگیزش بیرونی، احساس خستگی و بی‌حوصلگی، منبع کنترل بیرونی و انتظارات کارایی به دست آمد. نتایج نشان می‌دهد که وجود ساختاری به نام فرسودگی تحصیلی و ویژگی‌های آن در دانشجویان علوم پزشکی قابل‌شناسایی است. استفاده از روش کیفی به‌عنوان رویکردی که در سال‌های اخیر به دنبال درک دنیای ذهنی و تفسیر افراد از پدیده‌ها مورد توجه قرار گرفته است. تا آنجا که برای گزینش دانشجویان در مقاطع تحصیلی بالاتر نیز به مطالعاتی از این نوع پرداخته شده است. شکور، یمانی و جوهری (۱۳۹۰) در بررسی دیدگاه دانشجویان و اساتید با روش کیفی در مورد آیین‌نامه پذیرش بدون آزمون در مقاطع بالاتر، ۴۳ کد، ۱۱ تم فرعی و ۳ تم اصلی را استخراج کردند. عدالت) انتخاب یک دانشجو، نامناسب بودن معدل، تفاوت کم و پیامد مهم، در نظر نگرفتن سیستم نمره دهی دانشگاه، بی‌توجهی به سطح دانشگاه محل تحصیل و استحقاق قبول شدن؛ مشکلات اخلاقی؛ رقابت ناسالم، رفتار نامناسب با قبول‌شدگان و به وجود آمدن حس منفی در هم‌کلاسی‌ها؛ پیشرفت علمی؛ تشویق دانشجویان به رقابت بهینه و استفاده از آموزش عالی رایگان تم‌های فرعی اصلی بودند.

روش پژوهش

روش این پژوهش کیفی و از نوع داده بنیاد است. در این روش باهدف استخراج عوامل احتمالی اثرگذار در یک پدیده و همچنین راهبردها و پیامدهای آن بود. با انجام مصاحبه عمیق اقدام به استخراج عوامل علی اصلی، زمینه‌ای از یک سو و عوامل فرآیندی و مداخله‌گر و پیامدها از سوی دیگر می‌شود. شرکت‌کنندگان در این پژوهش دانشجویانی بودند که سابقه یک یا دو سال و گاه بیشتر از شرکت در کنکور را داشتند. روش گردآوری اطلاعات روش باز بود. به این صورت که در فضای صمیمی پس از برقراری ارتباط با توجه به ساختار شکل‌گرفته از مصاحبه‌های قبلی پرسش‌هایی در رابطه با تجارب فرد از کنکور، نظر او راجع به افراد اثرگذار و نقش دوستان، خانواده و مدرسه طرح می‌شد. پس از انجام اولین مصاحبه که ۴۰ دقیقه به طول کشید. مسیر طرح پرسش‌ها برای مصاحبه دوم تعیین شد. هر بار پس از مصاحبه ضمن پیاده‌سازی به استخراج موضوعات مطرح‌شده اقدام می‌شد و از نتایج در مصاحبه‌های بعدی استفاده می‌شد. مصاحبه‌ها با روش کدگذاری باز و محوری و تا مرحله اشباع نظری یعنی زمانی که نکته تازه‌ای توسط مصاحبه‌شونده مطرح نشد، دنبال گردید. پس از ۸ مصاحبه در مصاحبه نهم موضوعات جدیدی اضافه نشد و تا ۱۱ مصاحبه ادامه پیدا کرد و پس از آن مصاحبه‌ای انجام نشد. در تعیین داوطلبان موفق و ناموفق ملاک رضایت افراد از شرایط کنونی خودشان بود. اگرچه در گزینش افراد موفق سعی شده بود دانشجویان فعلی رشته‌های پزشکی انتخاب شوند و دانشجویان ناموفق از کسانی انتخاب شدند که از رشته تحصیلی خود راضی نبودند. سیمای شرکت‌کنندگان در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱. سیمای شرکت‌کنندگان در پژوهش

ردیف	وضعیت فعلی فرد	جنسیت	وضعیت رضایت	دفعات شرکت	نظر راجع به کنکور
۱	دانشجوی پزشکی	مرد	راضی	بار اول	مثبت
۲	دانشجوی دندانپزشکی	مرد	راضی	بار دوم از برق شریف انصراف داده	تا حدودی مثبت
۳	دانشجوی حقوق دانشگاه آزاد	مرد	ناراضی	دو بار	منفی

۴	دانشجوی مشاوره دولتی	زن	از رتبه ناراضی ولی از رشته راضی	بار اول	تا حدودی مثبت
۵	دانشجوی روانشناسی دولتی	زن	از رشته راضی ولی رتبه ناراضی	بار اول	تا حدودی
۶	دانشجوی کاردرمانی دولتی	مرد	راضی	بار دوم	مثبت
۷	دانشجوی پزشکی دولتی	مرد	راضی	بار دوم	منفی
۸	دانشجوی پزشکی دولتی	مرد	تا حدودی راضی	بار دوم	منفی
۹	گرافیک دولتی	زن	راضی	بار دوم	مثبت
۱۰	دانشجوی برق آزاد	مرد	ناراضی	بار دوم	منفی
۱۱	دانشجوی مکانیک دولتی	مرد	ناراضی	بار اول	منفی

به منظور اعتبار یابی اطلاعات گردآوری شده، پس از انجام هر مصاحبه ابتدا محتوای صوتی آن به صورت نوشتاری تبدیل می شد. و محتوای نوشتاری برای صحت تأیید برداشت از مصاحبه شونده به او ارائه می شد و سپس اقدام به استخراج نکات مهم در ارتباط با کنکور شد. دسته بندی ها در موارد مشابه انجام شد و نتایج توسط دو استاد مسلط بر روش داده بنیاد انطباق داده شد و نتایج استخراج شده در رابطه با مصاحبه سه نفر از دانشجویان، به آن ها ارائه شد و تأیید آن ها نشان دیگری از اعتبار نتایج بود.

تعریف متغیرها

پدیده محوری: پدیده محوری تمامی موضوعات استخراج شده را به هم ربط می دهد. موضوع محوری که در تمامی مصاحبه ها مطرح شد و محور تمامی تلاش ها و موضوعات استخراجی بود، کنکور و موفقیت در آن و به تعبیر برخی دانش آموزان عبور از سد کنکور بود. این پدیده محوری از عوامل علی و زمینه ای اثر می پذیرفت و

تجربه زیسته شرکت در کنکور با تأکید بر پیامدهای استرس‌زای آن/ ۹

خودش نیز بر عواملی مانند روش‌های به کار گرفته‌شده توسط دانش‌آموز و نتایج تلاش و روش‌های دانش‌آموز اثر می‌گذاشت.

عوامل علی: این عوامل به‌صورت مستقیم بر پدیده محوری یعنی موفقیت در کنکور اثر می‌گذارند. به‌عنوان مثال روش مطالعه و تلاش شبانه‌روزی فرد که با ویژگی‌های روانی فرد رابطه دارد به‌طور مستقیم می‌تواند بر موفقیت در کنکور اثر بگذارد. دانش‌آموزی که در انتظار معجزه و شانس و یا فرصت تقلب است با دانش‌آموزی که اهل تلاش و برنامه‌ریزی است به‌صورت یکسان از سد کنکور عبور نمی‌کنند.

عوامل زمینه‌ای: برخی از عوامل مانند جو خانوادگی، تجارب قبلی و شکست‌ها یا ناکامی‌ها و موفقیت‌هایی فردی بر عوامل علی اثر می‌گذارند و چگونگی تلاش و برنامه‌ریزی‌های دانش‌آموز را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بنابراین این عوامل با عنوان عوامل زمینه‌ای دسته‌بندی شدند.

عوامل فرآیندی: منظور از عوامل فرآیندی عواملی است که در جریان تلاش برای موفقیت در کنکور توسط دانش‌آموزان به کار گرفته می‌شود تا به رضایت درونی یا عدم رضایت درونی از نحوه برخورد با پدیده اصلی به‌عنوان پیامد منجر می‌شود. این عوامل ضمن اثرپذیری از عوامل علی و زمینه‌ای خود بر پیامدها اثر می‌گذارند. عوامل فرآیندی بیشتر به چگونگی عملکرد و واکنش‌های فرد در شرایط کنکور می‌پردازد. این‌که فرد چه مسیرها و روش‌هایی را برای عبور از شرایط استرس‌زای کنکور انتخاب کرده است در این بخش قرار می‌گیرد.

پیامدها: نتیجه و برآیند به‌کارگیری عوامل فرآیندی به پیامدها منجر می‌شود. البته این پیامدها بعدها می‌تواند در نقش عوامل اثرگذار دیگری چون زمینه‌ای، علی و فرآیندی بر عملکرد بعدی دانش‌آموزان اثر بگذارد. به‌عنوان نمونه رضایت یا عدم رضایت می‌تواند بر برنامه‌ریزی و تلاش بعدی افراد اثر بگذارد.

یافته‌ها

نتایج مصاحبه‌های به‌دست‌آمده پس از تبدیل به پوشه‌های نوشتاری، موردبررسی قرار گرفت و نسبت به استخراج کدها اقدام شد. به‌منظور استخراج موضوعات اصلی ابتدا به پیاده کردن مصاحبه‌ها اقدام شد. کدهای فرعی از هر مصاحبه استخراج و پس از استخراج آن‌ها در موضوعات کلی‌تری دسته‌بندی شدند. جمع‌بندی از مصاحبه شرکت‌کننده اول به این شرح بود: او ارزیابی خودش از عملکرد در کنکور را با تمام فراز و نشیب‌هایش خوب می‌داند زیرا در سال اول پزشکی دانشگاه جندی‌شاپور اهواز بود. از تابستان سال سوم شروع کرد و برنامه دقیقی در درس خواندن نداشت. گاه روزی ۱۲ ساعت و گاه روزی هیچ نمی‌خواند. تحصیلاتش در تیزهوشان بود و با دوستان گروهی مطالعه می‌کردند و توانستند ۸۰ تا ۹۰ درصد مطالب را قبل از عید تمام کنند. معتقد بود که می‌توانست رتبه‌ای بهتر از این بیاورد و بدشانسی آورد و رتبه کنکور بدتر از آزمون‌هایی بود که برای آمادگی کنکور می‌داد. می‌گفت به دلیل مقایسه‌هایی که می‌کرد، خیلی تحت تأثیر قرار می‌گرفت. شاید دلیلش این بود که با دوستان گروهی مطالعه می‌کردند و همیشه مقایسه می‌شد بین نتیجه هر آزمون با مقدار تلاش فرد. می‌گفت اگر تراز ما خوب می‌شد و کم تلاش می‌کردیم همدیگر را به تقلب متهم می‌کردیم یا فکر می‌کردیم باهوش نیستیم. در هر دو صورت روی روحیه‌ام اثر داشت. برخی هم بی‌خیال بودند و راه خود را می‌رفتند به شخصیت فرد بستگی داشت. نقش فرد را مهم‌تر از هر چیز می‌دانست. معتقد بود که ۶۰ تا ۵۰ درصد نتیجه کنکور به عوامل روانی و بقیه‌اش به عوامل تحصیلی مربوط است. با این‌وجود نقش دوستان و خانواده و محیط را کم ارزیابی می‌کرد. می‌گفت ۵۰ درصد از عملکردم راضی هستم، معتقدم می‌توانستم نتیجه‌ای بهتر بگیرم. کنکور را به‌ویژه برای تفکیک افراد برای رشته پزشکی لازم می‌دانست. معتقد بود کسی که می‌خواهد ساعت‌ها در بیمارستان کار کند باید از سد کنکور بگذرد. از کلاس‌های دبیرستان به‌خوبی استفاده کرده بود و برای برخی دروس در کلاس‌های کنکور ثبت‌نام کرده بود. به این صورت این کدهای باز استخراج گردید: شروع در زمان مناسب، برنامه، ارزیابی مثبت از نتیجه، فراز و نشیب، دبیرستان تیزهوشان، نقش دوستان، مطالعه گروهی، مقایسه، بدشانسی، به هم ریختن روحیه، هوش، تقلب، نقش فرد، شرکت در کلاس دبیرستان، کلاس کنکور، نقش خانواده، عوامل شخصیتی، عوامل روانی، رضایت از عملکرد، رضایت نسبی، ورود به رشته پزشکی. این کدها در بخش‌های عوامل زمینه‌ای، عوامل فرآیندی، راهبردها و پیامدها

تجربه زیسته شرکت در کنکور با تأکید بر پیامدهای استرس‌زای آن/۱۱

جا داده شدند. و چارچوبی برای ادامه مصاحبه‌ها فراهم آمد. در جدول شماره ۲ خلاصه‌ای از دسته‌بندی ذکر شده است.

عوامل	دسته‌بندی
خانواده، فرد، دوستان، جو اجتماعی و دبیرستان عوامل زمینه‌ساز	این عوامل می‌توانند بر عملکرد داوطلب کنکور اثر بگذارند ولی اثرات آن‌ها مستقیم نیست بلکه این عوامل در نقش عوامل اثرگذار زمینه‌ای هستند. مثل جنسیت فرد و یا سایر ویژگی‌های فردی که با عنوان فرد مشخص شده‌اند. بنابراین به‌عنوان "زمینه‌ای" دسته‌بندی شدند.
مصمم بودن، ویژگی‌های روانی، روش مطالعه و عوامل محیطی ناخواسته عوامل علی	با توجه به اینکه این عوامل تأثیر مستقیمی بر فرایند کنکور از نظر داوطلبان داشتند، در دسته "عوامل علی" دسته‌بندی شدند. قدرت اراده و تصمیم جلدی و انتخاب روش مطالعه مناسب و داشتن ویژگی‌های مثبت روانی چون به تعویق انداختن تفریح و خوش‌گذرانی نقش مستقیم در موفقیت در کنکور دارند. البته گاه حوادث ناخواسته مثل بیماری، تصادف و مرگ عزیزان می‌تواند، امکان موفقیت را کاهش دهد.
برنامه‌ریزی، تلاش، کمک گرفتن و خودشناسی راهنماها	این عوامل به چگونگی واکنش فرد به تجربه کنکور مربوط می‌شود. تلاش در جهت شناخت خود و انتخاب متناسب با ویژگی فردی و برنامه‌ریزی مناسب با خود و کمک گرفتن از دیگران راهنماهایی هستند که رضایت فرد را به دنبال دارد.
مشکلات روان‌شناختی، رضایت یا عدم رضایت از رسیدن به هدف	وجود مشکلات روان‌شناختی به دلیل شرایط دشوار و تا حدودی غیرقابل کنترل کنکور از پیامدهای کنکور حتی در افراد موفق است. و رضایت و یا عدم رضایت

<p>نیز چون از نتایج به‌کارگیری عوامل فرآیندی است در بخش "پیامدها" قرار گرفت.</p>	<p>پیامدها</p>
<p>این عوامل می‌توانند بر احتمال موفقیت فرد در کنکور اثر بگذارند. این‌که شانس قبولی در برخی رشته‌ها مثل ریاضی فیزیک بهتر از رشته علوم تجربی است. و یا موضوع کلاس‌های آمادگی برای کنکور که برخی شرایط بهتری در مقایسه با کلاس‌های دیگر دارند.</p>	<p>رشته، کلاس کنکور، جزوه‌ها و کتاب‌های کمک‌درسی</p> <p>عوامل مداخله‌گر</p>

جدول ۲. دسته‌بندی عوامل اثرگذار بر پیامدهای کنکور

در مصاحبه دوم، که بار دوم و با تغییر رشته از مهندسی برق در رشته دندانپزشکی درس می‌خواند، کدهای رشته تحصیلی، سطح انتظار فرد، سطح انتظار خانواده و دوستان، تفاوت تلاش برای ورود به دانشگاه در رشته ریاضی و تجربی، درآمدزایی رشته، انگیزه انتخاب، دلیل تغییر رشته، هم‌کلاسی‌ها، استرس، استرس در جلسه کنکور و برنامه‌ریزی هفتگی به کدهای مربوطه اضافه گردید. شرکت‌کننده سوم که پس از دو سال تجربه ناموفق در دانشگاه آزاد حقوق می‌خواند، باوجود رتبه ۴۶۰۰ چون فقط پزشکی می‌خواست، رشته دیگری انتخاب نکرده بود. نقش تجربه خانواده، فاصله سنی با برادران و خواهران، فرزند آخر، پدر و مادر مسن، تحصیل در شهری کوچک، مشاوره بد، نبود امکانات در شهرهای کوچک، ساعات زیاد مطالعه و بازده کم، روش مطالعه تشریحی، پرسش ترکیبی، دبیر کم‌سواد، انتخاب رشته در دبیرستان به موارد اضافه گردید. در مصاحبه با شرکت‌کننده چهارم، درد معده، تپش قلب در سال چهارم، اجبار خانواده برای انتخاب رشته، نارضایتی از محل تحصیل، رشته انسانی، مشکلات با دوستان نزدیک، دختر بودن یا پسر بودن، نقش معلم‌ها، روحیه دادن مدیر و معاون، انتظارات کادر مدرسه، محل ادامه تحصیل و دروغ‌گویی هم‌کلاسی‌ها اضافه شد. در مصاحبه با شرکت‌کننده پنجم فرصت طلایی سال اول کنکور، خانه شلوغ و پررفت‌وآمد، تست زدن، استراحت و تفریح، تلاش، برنامه اعتکاف علمی مدرسه، هزینه کلاس کنکور، حفظی بودن دروس، کلاس خصوصی، رقابت ناسالم، رقابت سالم، فرزند اول بودن، کم‌تجربگی خانواده، ساعات خواب و

تجربه زیسته شرکت در کنکور با تأکید بر پیامدهای استرس‌زای آن/۱۳

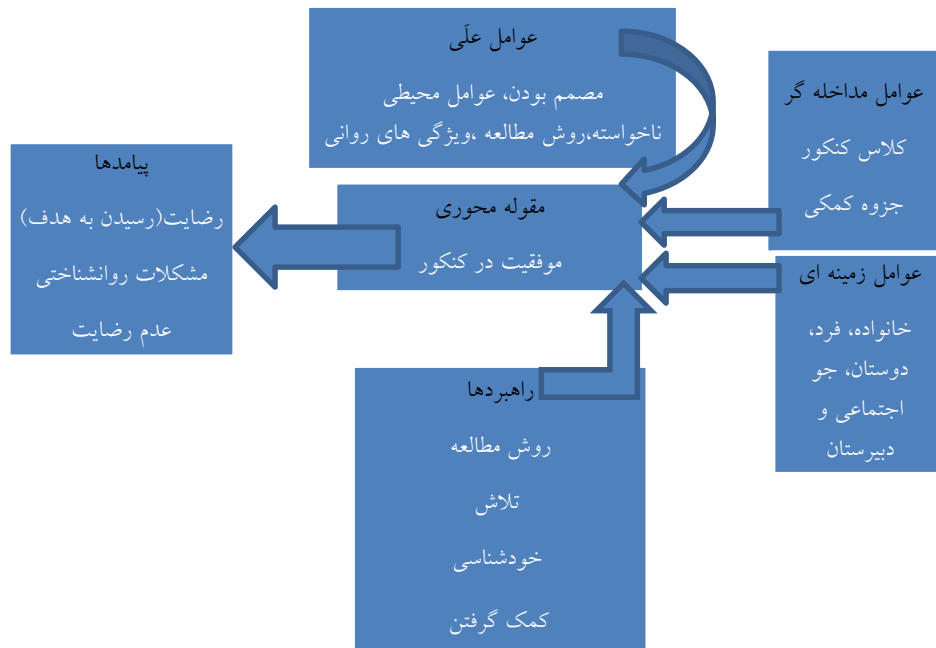
تفاوت خواسته فرد و خانواده به موارد اضافه شد. در مصاحبه با شرکت‌کننده ششم، شناخت کامل از رشته انتخابی، انتخاب کورکورانه، شرکت در همایش‌های معرفی رشته، مکان مطالعه، اعتمادبه‌نفس، سرعت و تکنیک تست زدن، درگیری لفظی با دبیران، جو خارج از مدرسه، فرصت سال دوم، هدف مشخص به موارد اضافه گردید. شرکت‌کننده هفتم که در سال دوم پزشکی قبول شده بود به موارد زیر اشاره کرد: ریزش مو، ناخن جویدن در سال کنکور، نقش کتاب کمک‌درسی، رضایت مادر، بیماری پدر بزرگ، سقف موفقیت در خانواده، نقش دوران ابتدایی و راهنمایی، تصمیم جدی به موارد اضافه گردید. در مصاحبه با شرکت‌کننده هشتم بود موارد زیر علاوه بر نکات استخراج شده قبلی اضافه گردید: نقش سهمیه‌ها، ناهماهنگی نظام آموزش و پرورش کنکور، رتبه سرمرزی سال قبل، فرصت برای اثبات توانایی، نزدیکی به خانواده، انتخاب استان محل زندگی، فرهنگ خانواده، اثر تربیتی خانواده بر فرد، تلاش و علاقه، خواندن کتاب درسی، بی‌فایده بودن کلاس‌ها، جو اجتماعی، ناهماهنگی مسئولان. در سه مصاحبه بعدی مورد اضافه نشد.

در مجموع ۱۱۸ عنوان استخراج گردید. این عناوین در ۱۸ دسته اصلی جایگزین شدند. موضوعاتی مانند کم‌تجربگی خانواده، اجبار خانواده، بیماری پدر بزرگ، فرهنگ خانواده، وابستگی به خانواده، سقف انتظار خانواده، فرزند اول یا آخر، رشته تحصیلی خواهر یا برادر، خانه شلوغ و پررفت و آمد در عنوان کلی خانواده قرار گرفتند. عواملی مانند دبیر کم‌سواد، مشاور مدرسه، دبیر خوب، انتظار مدیر و کادر مدرسه و موارد مشابه در عنوان کلی مدرسه دسته‌بندی شدند. سطح انتظار دوستان، مشکلات با دوستان نزدیک، مطالعه گروهی با دوستان و موارد مشابه در عنوان کلی دوستان قرار گرفتند. عواملی مانند فشار اجتماعی، فرهنگ، جو اجتماعی، رقابت سالم و ناسالم در دسته‌بندی کلی با عنوان جو اجتماعی دسته‌بندی شدند. عوامل روانی، ویژگی‌های شخصی، جنسیت و... به عنوان نقش فرد در نظر گرفته شدند. این ویژگی‌ها در مجموع چون نقش فعال و عمل‌کننده‌ای نداشتند ولی زمینه‌ساز بودند، با عنوان عوامل زمینه‌ای قرار گرفتند.

عواملی چون تصمیم جدی، استفاده از فرصت طلایی، فرصت اثبات خود تحت عنوان کلی مصمم بودن قرار گرفتند. کدهای چون علاقه، ساعات خواب، استراحت و تفریح، اضطراب و نگرانی هنگام مطالعه و امتحان در دسته ویژگی‌های روانی قرار گرفتند. روش مطالعه تشریحی و تستی، تقسیم استراحت و مطالعه و کدهای مشابه تحت

عنوان کلی روش مطالعه دسته‌بندی شدند. مواردی مانند مرگ پدر بزرگ، بیماری مادر، بیماری خود فرد در دسته عوامل ناخواسته قرار گرفتند. چون این عوامل بر تصمیم داوطلب برای نحوه فعالیت اثر مستقیم داشتند به‌عنوان عوامل علی دسته‌بندی شدند. کدهای برنامه‌ریزی، برنامه درسی، تقسیم ساعات، تنظیم وقت به‌عنوان برنامه‌ریزی در نظر گرفته شدند. شناخت ویژگی‌های خود، کمک از مشاور برای خودشناسی و در نظر گرفتن علایق و اهداف با عنوان خودشناسی و کمک گرفتن از دیگران دسته‌بندی شدند. شروع در زمان مناسب، تلاش، پی‌گیری برنامه، مبارزه با خستگی و علاقه به کار در دسته کلی تلاش قرار گرفتند. چون این عوامل با نحوه تلاش و رسیدن به اهداف ارتباط دارند در دسته عوامل فرآیندی قرار گرفتند. عواملی چون ارزیابی مثبت، نارضی، بدشانسی، بی‌فایده بودن، نتیجه دادن تلاش و... در گروه رضایت و عدم رضایت و در دسته پیامدهای کنکور قرار گرفتند. به‌علاوه موضوعاتی مانند، استرس، ناخن جویدن، ریزش مو به دلیل کنکور، اضطراب، تپش قلب، به هم ریختن روحیه زیر عنوان مشکلات روان‌شناختی قرار گرفتند که تمرکز پیامدهای روان‌شناختی در دو گروه راضی و ناراضی بود.

عواملی مانند استفاده از کلاس کنکور، میزان آن، نوع کلاس، رشته تحصیلی و جزوه‌ها یا کتاب‌های کمکی که می‌توانست در کنار عوامل فرآیندی و زمینه‌ای بر عملکرد افراد اثر بگذارد در گروه عوامل مداخله‌گر قرار گرفتند.



نمودار ۱. الگوی عوامل اثرگذار بر عملکرد کنکور

بحث و نتیجه‌گیری

بر این اساس و با توجه به محتوای مصاحبه‌ها و عوامل کلی استخراج‌شده، همان‌گونه که در نمودار شماره ۱ دیده می‌شود، خانواده، فرد، دوستان، جو اجتماعی، کلاس کنکور و رشته به‌عنوان عوامل زمینه‌ای اثرگذار بر عوامل علی در نظر گرفته شدند. این عوامل همسو با پژوهش زعفرانی و فلاح (۱۳۹۴) بودند که نقش خانواده و دوستان و معلمان را در جهت‌دهی انتخاب رشته مؤثر می‌دانستند. در رابطه با عوامل علی مصمم بودن، عوامل محیطی ناخواسته اثرگذار بر فرآیند کنکور، روش مطالعه و ویژگی‌های روانی در این گروه دسته‌بندی شدند. این نتایج با پژوهش ادیب، فتحی آذر و اسکندری (۱۳۹۶) که نقش عوامل روانی و فردی را در رضایت از رشته دانشگاهی و فرسودگی تحصیلی اثربخش

می‌دانستند هم‌جهت است. عواملی مانند رتبه سر مرزی، نقش سهمیه‌ها، ناهماهنگی نظام آموزش و پرورش و کنکور در زیر عنوان عوامل اثرگذار محیطی ناخواسته جای گرفتند. این نتایج با پژوهش شکوری نیا و علی کرمی (۱۳۹۶) که به نقش عوامل محیطی و اجتماعی در گرایش به رشته‌های پزشکی اشاره دارند، هم‌جهت است. پدیده اصلی با توجه به محتوای مصاحبه‌ها که مورد تمرکز شرکت‌کنندگان بود راه‌یابی به رشته تحصیلی موردعلاقه بود که در این رابطه عوامل زمینه‌ای، مداخله‌گر و عواملی علی بر آن اثر دارند. در رابطه با عوامل فرآیندی برنامه‌ریزی، تلاش، خودشناسی و کمک گرفتن در این دسته قرار گرفتند. که با نتایج پژوهش اورنگی (۱۳۹۱)، شکوری نیا و علی کرمی (۱۳۹۶) و زعفرانی و فلاح (۱۳۹۴) در موارد اثرگذار بر گرایش و موفقیت هم‌جهت است. درنهایت مدل ترسیمی دو پیامد داشت. مشکلات روان‌شناختی که در ابتدای بخش یافته‌ها به آن اشاره شد و رضایت یا عدم رضایت و یا رضایت نسبی بود. بنابراین استرس تجربه‌ای جدانشدنی از پیامدهای کنکور بود که تمامی شرکت‌کنندگان تجربه کردند. این نتایج با دیدگاه علی احمدی (۱۳۹۵) هم‌جهت است که کنکور یک عامل فشار روانی اثرگذار بر دانشجویان است که گاه تمام زندگی بعدی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌علاوه با پژوهش سیفی و سام (۱۳۹۴) که حتی در دانشجویان دندانپزشکی نارضایتی‌هایی گزارش کردند، هم‌جهت است.

به‌طورکلی بر اساس نتایج به‌دست‌آمده می‌توان به نقش عوامل زمینه‌ای، مداخله‌گر و علی برای موفق شدن در کنکور به‌عنوان پدیده اصلی اشاره کرد. نوع مدرسه و ساختار آن و روابط دانش‌آموزان با مدیر و دبیران و کارکنان، رشته تحصیلی با توجه به تعداد متقاضیان و دشواری آن، شرایط خانوادگی، روابط با دوستان، جو اجتماعی برای انتخاب نوع رشته و گرایش و کلاس‌های آمادگی برای کنکور از عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر اثرگذار بر موفقیت در کنکور هستند. این عوامل به‌طور مستقیم در کنترل فرد نیستند. شاید به همین دلیل که در کنترل فرد نیستند ولی بر نتایج کنکور اثر می‌گذارند، منبع مهمی برای فشار روانی هستند. به‌علاوه ویژگی‌های روانی داوطلب، مانند آرامش یا اضطراب، توانایی فرد برای تحمل ناکامی و برنامه‌ریزی در کنار روش مطالعه مناسب و عدم وقوع عوامل ناخواسته از یک‌سو و قدرت اراده فرد از سوی دیگر به‌طور مستقیم بر نتایج کنکور فرد اثر می‌گذارد. این موضوع نشان می‌دهد که شانس موفقیت در کنکور به یک یا چند عامل محدود بر نمی‌گردد و به موضوع پیچیده‌ای تبدیل شده است. برای داوطلبان عوامل فرآیندی در جریان کنکور می‌تواند به رضایت یا عدم رضایت و یا حالت بینابین منجر شود. نقش

عوامل فرآیندی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا در کنار اغلب عوامل علی در اختیار فرد هستند و خارج از کنترل او نیستند و به این صورت می‌توانند برای بهبود وضعیت افراد به کار گرفته شوند. این در حالی است که کنترل و تغییر عوامل زمینه‌ای کاری زمان‌بر و اغلب خارج از کنترل افراد است. کمک گرفتن از افراد دارای صلاحیت حرفه‌ای و علمی، خانواده و دوستان در شرایط بحران‌های عاطفی، کمک‌درسی در مورد ضعف‌های علمی، شناخت ویژگی‌های فردی و برنامه‌ریزی متناسب با شرایط فردی و کنکور و بالاخره تلاش حساب‌شده و با برنامه می‌تواند به نتایج خوبی منجر شود و یا لاقبل بخشی از فشار روانی داوطلبان را کاهش دهد. به‌علاوه استرس به‌عنوان یک عامل اثرگذار و اثرپذیر از کنکور باید مورد توجه قرار گیرد. استرس و اضطراب از عوامل علی و زمینه‌ای است که موفقیت در کنکور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما از سوی دیگر در بخش پیامدها، تلاش و برنامه‌ریزی و فعالیت در شرایط دشوار که باخبرهای بد و استرس‌زای دوران کنکور تشدید می‌شود خود می‌تواند به فرسودگی روانی و پیامدهای استرس‌زای بیشتر منجر شود. یعنی هم نقش علت و هم نقش معلول را ایفا کند. این نتایج با پژوهش‌های ادیب، فتحی آذر و اسکندری (۱۳۹۶) و سیفی و سام (۱۳۹۴) که به عامل فرسودگی و عدم رضایت دانشجویان حتی در رشته‌های پزشکی اشاره کردند، در مورد نقش استرس و عوامل اجتماعی هماهنگ است. به‌علاوه نقش دوگانه کنکور را بر عملکرد افراد به‌صورت مثبت و منفی مانند دیدگاه حاتمی و رضوانی (۱۳۹۴)، علی احمدی (۱۳۹۵) و مخبر دزفولی (۱۳۹۵) مورد تأیید قرار می‌دهد. این نتایج با پژوهش ادیب، فتحی آذر و اسکندری (۱۳۹۶) که نقش عوامل روانی و فردی را در رضایت از رشته دانشگاهی و فرسودگی تحصیلی اثربخش می‌دانستند هم‌جهت است. بنا برای لزوم بازنگری در شیوه‌گزینش دانشجو از دیدگاه کیانی (۱۳۹۴) و اورنگی (۱۳۹۱) را مورد تأیید قرار می‌دهد.

در پایان مطالعات کمی و آمیخته بیشتری برای تعمیم نتایج توصیه می‌شود. نتایج این پژوهش در درک دنیای ذهنی افراد شرکت‌کننده می‌تواند برای مشاوران و برنامه‌ریزان مفید باشد. خانواده‌ها هم نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد شرایط آرامش‌بخش و عدم اجبار فرزندان می‌توانند داشته باشند. مدارس با برنامه‌ریزی مناسب می‌توانند به کاهش استرس شاگردان کمک کنند. ناهماهنگی ساختار آزمون‌های مدارس با کنکور یکی از مهم‌ترین منابع استرس دانش‌آموزان است. که در موارد زیر لازم است سازمان‌های مرتبط اصلاحات ساختاری را انجام دهند. شرایط اجتماعی که به‌نوعی به کنکور دامن می‌زند. مثل گرایش عام به رشته‌های خاص، تبلیغات مختلف برای بالا بردن شانس موفقیت

به صورت آشکار یا شایعه، طرح شایعه‌هایی چون خریدن صندلی، تقلب، تبلیغات تجاری در رابطه با کنکور نشان می‌دهد که طولانی‌تر شدن کنکور به‌عنوان معیاری برای ورود به دانشگاه یا رشته‌های خاص، به آسیب‌های اجتماعی بیشتر منجر می‌شود. توجه به نقش استرس‌زای کنکور و نقش آن در فرسودگی روانی افراد موضوعی است که تجدیدنظر در این پدیده را بیشتر آشکار می‌سازد. وجود مشکلات روان‌شناختی در افراد موفق و ناموفق نشان می‌دهد که برای پیشگیری و درمان صدمات ناشی از کنکور به شناخت بیشتر و برنامه‌ریزی مناسب نیاز است.

منابع

- ادیب، یوسف؛ فتحی آذر، اسکندر و دستوری، رامین (۱۳۹۶). تبیین تجربه فرسودگی تحصیلی در دانشجویان پزشکی علوم پزشکی تبریز. تحقیقات کیفی در علوم سلامت مجله، ۶ (۱): ۴۸-۳۵.
- توکلی، حسین (۱۳۹۵). کمیته‌ای در سازمان سنجش برای حذف کنکور تشکیل شده است. نامه شورا، شماره ۹۷، ص ۴۴-۴۸.
- حاتمی، جواد و رضوانی فر، شیرین (۱۳۹۴). بررسی تفاوت نمرات نفرات برتر گروه‌های آزمایشی ریاضی، تجربی و علوم انسانی در کنکور سراسری ۱۳۹۰ بر اساس سطوح شناختی بلوم. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، دوره ۹، شماره ۱۹، ص ۱۵۹-۱۷۲.
- حسینی لرگانی، سیده مریم و محمدی، رضا (۱۳۹۶). تبیین علل اثرگذار بر مراجعه دانش‌آموزان به آموزشگاه‌های آزاد کنکور. فصلنامه مطالعات آموزشی و ارزشیابی آموزشی، سال هفتم، شماره ۱۸، ص ۵۳-۸۹.
- خلیل زاده، فریبا، قلعه‌ای علیرضا (۱۳۹۴). بررسی بین‌رابطه سبک‌های یادگیری و موفقیت در کنکور دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه در سال تحصیلی ۹۳-۹۲. مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، دوره سیزدهم شماره هفتم، پیاپی، ۷۲، ص ۵۶۳-۵۷۱.
- زارعی، رضا؛ اوجی نژاد، احمدرضا و صارمی نوری، معصومه (۱۳۹۵). تحلیل پرسش‌های کنکور سراسری در رشته ریاضی فیزیک، فصلنامه علمی پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال هفتم، شماره ۳، پیاپی، ۲۷، ص ۱۳۹-۱۶۲.
- زارعی، رضا و اورنگی، عبدالمجید (۱۳۹۱). بررسی ملاک‌های مناسب برای گزینش دانشجو در دانشگاه‌های ایران از دیدگاه صاحب‌نظران. فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال سوم، شماره ۴، پیاپی ۱۲، ص ۱۹۹-۲۱۴.
- سحرخیز، ابراهیم (۱۳۹۵). منافع مالی عظیم کنکور مانع حذف آن است. نامه شورا، شماره ۹۷، ص ۴۰-۴۳.
- سیفی، صفورا و سام، شیما (۱۳۹۴). مقایسه میزان رضایتمندی دانشجویان دندانپزشکی نسبت به رشته خود در مقطع علوم پایه و بالینی. دو فصلنامه آموزش پزشکی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، دوره سوم، شماره ۲، ص ۳۸-۴۵.
- شکور، مهسا؛ یمانی، نیکو و جوهری، زهرا (۱۳۹۰). دیدگاه اساتید و دانشجویان پیرامون آیین‌نامه آموزشی ادامه تحصیل پیرامون بدون آزمون در مقاطع بالاتر. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی/ویژه‌نامه آموزش و توسعه ارتقای سلامت، ۱۱(۹): ۱۴۱۱-۱۴۱۹.
- شکوری نیا، عبدالحسین و علی کرمی، مسعود (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر انتخاب و رضایتمندی از ادامه تحصیل در رشته داروسازی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز. توسعه‌ی آموزش جندی‌شاپور، سال هشتم شماره ۱، ص ۳۱-۳۸.
- علی احمدی، علی رضا (۱۳۹۵). شیوه کنونی گزینش دانشگاه‌ها استعدادهای جوانان را می‌کشد. نامه شورا، شماره ۹۷، ص ۴۸-۵۳.
- کانی، غلامرضا (۱۳۹۴). سوابق تحصیلی و آزمون‌های سراسری جایگزین نظام کنکور محور: چرایی، چیستی و چگونگی تغییر. فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، علمی-پژوهشی، شماره چهارم، ص ۱-۲.

تجربه زیسته شرکت در کنکور با تأکید بر پیامدهای استرس‌زای آن/۱۹

- مخبر دزفولی، محمدرضا (۱۳۹۵). کنکور مانع اصلی اجرای تحول بنیادین آموزش و پرورش. نامه شورا، شماره ۹۷، ص ۵۵-۵۶.
- نیک نژاد، محمدرضا؛ قربانزاده زعفرانی، سید قاسم و فلاح، ماریه (۱۳۹۴). عوامل اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و جنسیتی مؤثر در انتخاب رشته تربیت‌بدنی توسط داوطلبان کنکور سراسری ۹۳-۹۴. مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش، دوره دوم، شماره ۸، ص ۱۰۷-۱۰۱.

- Atkinson, R. C. (2020). Achievement versus aptitude test in college admissions, issue in science and technology, University of Dallas, Richardson, Texas, reprinted with permission.
- Boke-Roe, Kim(2016). Theproblem of entrance exam –orirnted education andits solution plans in korea,Third asia conference on advanced research, pp 229-236.
- Cirak, Y.(2016). University entrance exam for the perspective of senior high school students, journal of education and training studies, 4(9), pp177-185.
- Miyao, Y. & Kawazoe, A. (2013). University entrance examinations as a benchmark resource for N_L_P based problem solving, International joint for conference on natural language processing, pp 1357-1365.
- Yel Kenci, I. (2013). Investigating the anxiety level of students preparing fpr the university exams according to variety variable, unpublished master thesis. Istanbul Arel University, Istanbul.